

نقد و تحلیل مقاله «عایشه» در دایرةالمعارف قرآن لیدن*

محمود کریمی** و امیر حسین فراستی***

چکیده

مقاله «عایشه بنت اُبی بکر» اثر اسلام‌شناس آمریکایی، «دنیس اسپلبرگ» است که در دایرةالمعارف قرآن لیدن به چاپ رسیده است. وی در این مقاله، دو ماجرای تبرئه عایشه از زنا (إفک) و جنگ جمل را محور اصلی پژوهش خود در بازشناسی سیمای عایشه قرار داده و سپس به تحلیل هر یک می‌پردازد. مقاله یادشده نقاط قوت و ضعف متعددی دارد. وی با تفسیری که از «أم المؤمنین» ارائه نموده و بر اساس آیه شریفه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/ ۳۳) اشاره می‌کند که زنان مسلمان باید در خانه‌هایشان بمانند. وی می‌افزاید به علت مشارکت عایشه در اولین جنگ داخلی در اسلام (جنگ جمل)، زنان می‌بایست همچنین از مناصب سیاسی پرهیز کنند. افزون بر این، مدعی می‌شود که شیعه، اعتقادی به عفت عایشه نداشته و راه را برای اتهام به وی باز گذاشته است. وجود چنین ادعاهایی در مقالات دایرةالمعارف قرآن لیدن، ایجاب می‌کند تا قرآن‌پژوهان مسلمان به پاسخ‌گویی و اعلام دیدگاه صحیح اسلام در این خصوص بپردازند. در نوشتار حاضر، ضمن تقدیم محورهای اصلی این مقاله، آرای مؤلف در بوته نقد قرار گرفته و پاسخ‌هایی مستدل بر اساس منابع شیعه و اهل سنت ارائه شده است. در ابتدا معرفی کوتاهی از اسپلبرگ و آثارش صورت گرفته و پس از تحلیل محتوایی مقاله‌اش، مهم‌ترین ادعاهای نویسنده، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: أم المؤمنین عایشه، زنان پیامبر، دایرةالمعارف قرآن لیدن، نقد اسلام‌شناسی مستشرقان، خانه‌نشینی زنان.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۹/۱۷.

** . دانشیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام) تهران: karimiiimahmoud@gmail.com.

*** . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) تهران: amirhoseinfarasaty@gmail.com.

مقدمه

سال‌هاست که اسلام‌شناسی - جدای از اهداف سلطه‌جویانه - در غرب رواج یافته و دانشمندان بسیاری به مطالعه قرآن مجید و علوم آن پرداخته‌اند. حاصل پژوهش‌های خاورشناسان - به رغم تلاش‌های گسترده‌شان - خالی از اشکال نبوده و احیاناً نقدهای جدی بر آن‌ها وارد است. به خصوص اینکه نگاه مستشرقان به اسلام، کارآمدی لازم را در به سعادت رساندن بشریت نداشته و آنها دیدگاهی متفاوت به مبانی دینی دارند.

دایرةالمعارف قرآن لیدن نیز از این امر مستثنا نیست و با وجود نویسندگان مسلمان غرب‌نشین در میان مؤلفان آن، بخش عمده مقالات توسط اسلام‌شناسان غیرمسلمان نگارش شده است. حقایق آمیخته به باطلی که در برخی مقالات با نام اسلام در چنین کتاب‌هایی - که راهنمای جوانان غربی در بازشناسی اسلام به شمار می‌رود - قرار می‌گیرد، موجب بدبینی به اسلام راستین می‌شود. لذا بر مسلمانان آگاه واجب است تا در جهت نشر حقیقت اسلام، این آموزه‌ها را در بوته نقد قرار دهند و سره را از ناسره جدا کنند.

مقاله «عایشه بنت ابی بکر» نوشته دنیس اسپلبرگ، همانند بسیاری از پژوهش‌های خاورشناسان از نقص‌های روشی و علمی بی‌نصیب نیست. هرچند به نظر می‌رسد او قصد داشته با رعایت انصاف، دیدگاه هر دو مکتب شیعه و سنی نسبت به شخصیت بحث برانگیز ام المؤمنین عایشه را بازتاب دهد، لکن در عمل، برخی از آرای او را که موردقبول هیچ یک از طرفین نیست به ایشان منسوب می‌نماید. علاوه بر اینکه مستشرقان غالباً از طریق اهل سنت با اسلام آشنا شده، لذا مطالبشان با وجهه نظر شیعه فاصله دوچندان دارد.

از این رو، اهتمام نوشتار حاضر بررسی مدخل مذکور بوده تا برخی ادعاهای مؤلف نامسلمان آن - مستدل به آرای بزرگان دو مذهب امامیه و اهل تسنن - مورد انتقاد و پاسخ‌گویی قرار گیرد. قبل از این نیز پژوهشی در نقد بخش ماجرای افک از همین مدخل به چاپ رسیده که تلاش شده بر مدعای اسپلبرگ مبنی بر صریح‌ترین آیات در رابطه با عایشه و همچنین تفاوت آشکار تفاسیر فریقین در شأن نزول این آیات استشکال گردد و از دیگر جوانب صرف‌نظر شده است. به‌علاوه، در آن مقاله، ادعای اسپلبرگ مبنی بر تعصب جنسیتی مفسران مسلمان و اجحاف در حق زنان مورد نقد واقع شده که در مقاله حاضر به آن پرداخته نشده و از جانب دیگری به ادعاهای اسپلبرگ نگاه می‌شود. پژوهش کنونی در مقام پاسخ به پرسش‌های پیش‌روست: اسپلبرگ چگونه به معرفی عایشه پرداخته است؟ چه نقدهایی بر دیدگاه مؤلف در باب شخصیت عایشه وارد است؟

۱. گزیده‌ای از سوابق علمی مؤلف

دنيس اسپلبرگ (Denise Spellberg) (متولد ۱۹۵۸ م.) پژوهشگر آمریکایی در تاریخ اسلام و از سال ۲۰۱۴ م. تاکنون، دانشیار بخش تاریخ و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه تگزاس می‌باشد. وی دارای مدرک کارشناسی تاریخ از کالج اسمیت و نیز کارشناسی ارشد و دکتری در همان رشته از دانشگاه کلمبیا بوده که این مدارک را در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۹ دریافت نموده است.

دو کتاب معروف وی، «سیاست، جنسیت و گذشته اسلام: میراث عایشه بنت ابی بکر» و «قرآنِ توماس جفرسون: اسلام و بنیان‌گذاران» بوده که به ترتیب در سال ۱۹۹۴ و ۲۰۱۳ میلادی به چاپ رسیده است. در کتاب نخست، بحث گسترده‌ای از زندگی عایشه دختر ابوبکر و همسر رسول خدا به همراه نقش محوری او در تاریخ فرهنگی اسلام شده است و مؤلف کوشیده تا نشان دهد چگونه مفسرین متأخر با بازتفسیر نقش عایشه در جنگ جمل، این را دلیلی برای پرهیز زنان از مشارکت در قضایای اجتماعی گرفته‌اند. در کتاب دوم، او به نسخه‌ای از مصحف شریف که به دست توماس جفرسون (سومین رئیس جمهور آمریکا) رسیده و نیز دیدگاه او در خصوص آزادی دینی در ایالات متحده پرداخته است. دو کتاب مذکور بازتاب فراوانی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت و جوایزی را برای مؤلف به ارمغان آورد (<https://liberalarts.utexas.edu/ffiles/dams21/nKilnaSXrg>). از دیگر تألیفات او می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- عایشه و سنت تاریخی اسلام، در دست چاپ توسط دانشگاه کلمبیا؛

- باراک اوباما و اسلام هراسی، در دانشنامه اسلام و جهانِ مسلمین، ویرایش دوم، نشر مکمیلان در ۲۰۱۶؛

- هند بنت عتبه، در دایرةالمعارف اسلام، ویرایش سوم، چاپ بریل در سال ۲۰۰۷؛

- اسلام در آمریکا، مخاطرات در خاورشناسی جدید، در نشریه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۰۱۶ م؛

- نگارش زندگانی نانوشته‌ی حوّا در اسلام، در نشریه بین‌المللی مطالعات خاورمیانه،

سال ۱۹۹۶ م؛

۱۰۷ - فعالیت سیاسی و نمونه عمومی: برداشت‌ها از عایشه در جنگ جمل، در کتاب زنان در تاریخ

خاورمیانه چاپ دانشگاه ییل به سال ۱۹۹۱ م؛

- عایشه بنت ابی بکر، منتشرشده در دانشنامه آکسفورد زنان در تاریخ جهان، چاپ آکسفورد به

سال ۲۰۰۸ م؛

- مهدی و علما، دانشنامه خاورمیانه جدید و شمال آفریقا، ویرایش دوم، نشر مکمیلان در سال ۲۰۰۴ م؛

- قرآن و حدیث، دانشنامه زنان و ادیان جهان، نشر مکمیلان در سال ۱۹۹۹ م.

۲. محورهای اصلی مقاله

محورهای اصلی مقاله «عایشه بنت ابی بکر» که توسط دنیس اسپلبرگ به رشته تحریر در آمده به شرح ذیل است:

یک. معرفی عایشه

نخست مؤلف، عایشه را محبوب‌ترین همسران پیامبر اکرم ﷺ معرفی نموده که جایگاهی نمادین در تاریخ اسلام داشته و سبب مجادلات فراوانی شده است و آیات قرآن در حمایت و نیز انتقاد از عایشه اشاراتی دارد. وی، حیات عایشه را معیاری برای رفتارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان برشمرده و عالمان مسلمان را - که اکثرشان مرد بوده‌اند - تبیین‌کننده هویت جمعی و نقش‌های جنسیتی عنوان می‌کند.

عایشه منزلت رفیعی از همسری رسول خدا کسب کرد که این، مسؤولیت‌هایی اضافی را برای او به همراه داشت؛ از جمله: بی‌مانند بودن میان سایر زنان (احزاب/ ۳۲)، پرده‌نشینی (احزاب/ ۵۳)، پوشیدن چادر (احزاب/ ۵۹)، پوشاندن سینه‌های خود و رفتار با حیاء در ملاءعام (نور/ ۳۱)، او را از أمهات المؤمنین قرارداد. با آنکه آیه ۳۳ سوره احزاب در شأن همسران پیامبر نازل شده، ولی علمای مسلمان آن را به تمام مسلمات تعمیم دادند تا تضمین‌کننده خروج زنان از قلمرو مردانه در فعالیت‌های عمومی باشند (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/55). سپس مؤلف بحث خود را در محورهای زیر پی می‌گیرد.

دو. تبرئه عایشه از اتهام به زنا

وی در اولین محور، اذعان داشته که بارزترین ارتباط عایشه با قرآن کریم - هرچند بدون ذکر نام او - در آیات ۱۱ الی ۲۰ سوره نور بوده که مفسران مسلمان در تفاسیر خود در باب این موضوع به شرح داستان افک پرداخته‌اند؛ بدین‌صورت که عایشه در غزوه بنی مصطلق همراه پیامبر اعظم بود که به علت گم‌شدن گردنبندش، از سپاه فاصله گرفته و چون برمی‌گردد، کسی از سپاهیان را نمی‌یابد. پس همان‌جا می‌ماند تا جوان مسلمانی به نام صفوان بن معطل وی را یافته و به سلامت به اردوگاه سپاه پیامبر باز می‌گرداند؛ ولی دشمنان شایعه می‌سازند که آن دو مرتکب عمل منافی عفت شده‌اند. مؤلف می‌افزاید: طبری، مفسر معروف اهل سنت، ادعای اجماع مسلمین بر این روایت را نموده حال آنکه مفسر شیعی هم‌عصر او، قمی، در شرحی متفاوت بر این آیات، متهم به زنا را ماریه، متعه رسول خدا، معرفی می‌کند.

این دو تفسیر متناقض نشان می‌دهد که توضیحات فرقه‌گرایانه به قرائت‌های متفاوت از وحی واحد می‌انجامد. با آنکه اهل سنت عایشه را محبوب پیامبر و دختر خلیفه اول دانسته و از پاک‌دامنی او دفاع می‌نمایند، لکن تفاسیر شیعی راه را برای تهمت عایشه به زناکاری گشوده است. از دلایل این اختلاف فرقه‌ای، عدم تصریح قرآن به نام عایشه یا ماریه است. تفسیر مجالی برای قرائت‌های انسانی متناقض از وحی است که ادعای علمای مسلمان مبنی بر فرازمانی بودن اسلام را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

یک مردم‌شناس، صدای زنی شیعی را ثبت کرده که داستان اتهام یکی از همسران پیامبر به زنا را نقل می‌کند. این اتهام کاشف از قرائتی فرقه‌گرایانه بوده که در آن، سخنی از زن قهرمان سنی نیست؛ ولی در عوض، تفسیر این زن احتمالاً بی‌سواد، نتیجه‌ای منطقی در مورد اتهامات نسبت به پاک‌دامنی زنان در بردارد. این تفسیر [زنانه‌ی] مدرن، نتیجه یک شرح کلاسیک مردانه متعارض میان شیعه و سنی است. این، نه یک داستان عامیانه ایرانی، بلکه تفسیر شفاهی مدرن زن شیعه در مسیری غیر از تفسیر متن مقدس می‌باشد (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/56).

سه. مشارکت در جنگ جمل

در دومین محور مقاله آمده است: علی [علیه السلام] در راه حفظ موقعیت خود، توانست نیروهای عایشه، به رهبری دو هم‌پیمانانش [طلحه و زبیر] را شکست دهد. علمای شیعه و سنی - با وجود روایتگری متفاوت واقعه - در محکومیت مشارکت عایشه در جنگ جمل، به آیه ۳۳ سوره احزاب استدلال می‌کنند. البته در شرحی متأخر آمده که اصلاً چنین نبردی اتفاق نیفتاده است. سال‌ها بعد که عایشه این آیات را می‌شنید، نقابش از گریه خیس می‌شد. مسعودی، مورخ شیعی، به علی [علیه السلام] اجازه می‌دهد تا عایشه را نکوهش کرده و هشدار پیامبر [ص] مبنی بر در خانه ماندن عایشه را به او گوشزد نماید. به واسطه نمونه عایشه و به استناد آیه آنف‌الذکر، زنان مسلمان از مشارکت‌های سیاسی بر حذر داشته شدند (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/58).

چهار. تعریف آرمان‌های اسلامی زنانه

مؤلف در این بخش کوشیده تا مقایسه‌ای میان مریم با عایشه به عمل آورد. او می‌نویسد: در سوره تحریم، مریم و همسر فرعون به عنوان الگوی مسلمانان نام برده می‌شوند. عفاف و فرمان‌برداری مریم در قرآن مجید مورد تمجید است. با آنکه در روایات و تفاسیر غالباً مریم و عایشه در کنار هم یاد می‌شوند، نه تنها سخنی از فرمان‌برداری عایشه نیست، بلکه عفت او مسئله‌ای برای رویارویی دو فرقه باقی می‌ماند. نافرمانی عایشه در مقابل دستور قرآن (احزاب/ ۳۳) توسط

مسلمانان شیعه و سنی محکوم شده و این مسأله او را از اینکه زنی آرمانی باشد به دور ساخت، حال آنکه مریم به چنین عنوانی ستوده شده است. نهایتاً، عایشه با همسر نوح و لوط - که منفی ترین شخصیت های زن در قرآن اند - مقایسه می گردد.

بر خلاف ستایش های اهل سنت از عایشه، تاریخ اسلام، او را کمال مطلق تلقی نکرد. با این حال، مریم و همسر فرعون که تنها زنان کامل در سنت اسلامی هستند، به همراه خدیجه بنت خویلد و فاطمه زهر [ع]، الگوهای زنانه به شمار آمدند که مسلمین بر تصویر همواره مثبت ایشان اتفاق نظر دارند. فاطمه [ع] که در متون شیعی چهره ای آرمانی یافت، اهل سنت را بر آن داشت تا از عایشه به عنوان شخصیتی که اعتبارش در مقایسه با او کاسته شده دفاع کنند. تصویر دوگانه این دو شخصیت، واکنش های زنان علیه تفاسیر مردانه از قرآن را برانگیخت. هر چند استدلال شده که برابری زنان شیعه با حضرت فاطمه [ع] ناممکن است، ولی معلوم نیست که زندگی عایشه نیز میراث عملی تری برای زنان سنی به همراه آورد. اگرچه حافظه شگفت انگیز عایشه در نقل اخبار همسر خود الگویی برای اهل سنت باقی ماند، مطمئناً شرح حال وی از پیشینه قرآنی اش جدا نخواهد شد (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/59).

۳. نقد و ارزیابی مدخل عایشه

ابتدا نقاط قوت مقاله و سپس نقاط ضعف آن مورد بررسی قرار می گیرد.

یک. نقاط قوت

اسپلبرگ، برخلاف برخی مستشرقان که مسلمانان را محدود به اهل سنت شناخته و نظرشان را به تمام مسلمانان تعمیم می دهند، شیعه را فرقه ای صاحب رأی در تاریخ اسلام دانسته و در مواردی به بیان تعارض افکار ایشان با اهل تسنن می پردازد. مقاله او، قابل تقسیم به چهار بخش بوده که با چشم پوشی از قسمت آغازین آن، مطالبی مرتبط با همان زیر عنوان را در نوشته خود گرد آورده و از حواشی بی تناسب با موضوع مقاله پرهیز کرده است. وی به هر دو جنبه نیکو و ناپسند عایشه اشاره نموده و او را به عصمت نمی شناسد و حتی در بخش پایانی مقاله خود، با استناد به قرآن کریم از اعتقاد به آرمانی بودن عایشه انتقاد می کند. افزون بر این، اشاره ای کوتاه به حضرت فاطمه [ع] و مادر گرامیشان نموده که در سنت اسلامی چهره مطلوب از زن را به تصویر کشیده و مناقشه ای میان دو مکتب بر این کرامت وجود ندارد؛ چه اینکه هر دو بزرگوار به همراه مریم بنت عمران و آسیه همسر فرعون به عنوان برترین زنان بهشت در روایات مسلمانان نام برده شده اند. (ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۴/۴۰۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، بی تا: ۲۹/۳۴۵).

دو. نقاط قابل نقد

اول. تحلیل ساختار مقاله

اسپلبرگ، سه موضوع را که به نظر او در تصویرگری شخصیت عایشه در تاریخ اسلام اهمیتی بیش از جزئیات حیات وی دارد، محور پژوهش خود قرار داده است. دو موضوع اول، در قالبی تاریخی ارائه شده و موضوع سوم که بحثی تحلیلی و مقایسه‌ای میان عایشه با مریم علیها السلام و درنهایت با حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد، آیات و تفاسیر بیشتر مورد توجه واقع می‌شود.

مؤلف پس از نقل داستان افک و واقعه جمل، با بیان نمونه‌ای از آرای علمای اهل سنت و شیعه، می‌کوشد تا نشان دهد چگونه تفاسیر و تواریخ دو فرقه اختلافات شدیدی در بازسازی تاریخ اسلام و شخصیت عایشه دارد. اگرچه اغماض از تأکید مؤلف بر اتفاق نظر شیعه و اهل سنت بر بخشی از اخبار منقول از عایشه اجحاف خواهد بود، اما تلاش وی در نمایاندن اختلافات مذهبی کاملاً مشهود است. اگرچه پرداختن مؤلف به رأی هر دو مکتب سزاوار تحسین است، اما او این تعارضات تفسیری دو فرقه را دلیلی بر نقض جاودانگی و یکپارچگی اسلام گرفته و حتی تلویحاً این تفاسیر را که مردان عالم دین به رشته تحریر درآورده‌اند، را حاوی گونه‌ای از تعصب جنسیتی و مخالف حقوق زنان می‌داند.

ارتباط بخش نهایی مقاله با دو بخش سابق در این است که مؤلف می‌کوشد تا به یک جمع‌بندی از شخصیت عایشه دست یابد. تیره از زنا و مشارکت در جنگ جمل، دو جنبه مثبت و منفی این شخصیت تاریخی در مقاله اسپلبرگ عنوان می‌شود که برآیند آن‌ها، مانع از قرار دادن او در قلمرو کمال و یا خباثت مطلق است. هرچند مؤلف از ذکر آیات و روایات اجتناب می‌کند، ولی قرآن را برهان خود بر فرمانبری مریم علیها السلام در برابر سرکشی عایشه قرار می‌دهد.

با توجه به آنچه مختصراً از مقاله مذکور بیان شد، می‌توان گفت اسپلبرگ به ذکر دو داستان در ارائه سیمای حقیقی عایشه بسنده نموده و همان دو را محور کار خود در جمع‌بندی نهایی اش قرار داده است؛ درحالی‌که شایسته بود برای معرفی یک شخصیت تاریخی، به ذکر تاریخ ولادت و وفات و نسب او نیز پرداخته و موارد بیشتری از جوانب مثبت یا منفی او نقل شود تا نتیجه‌گیری واقعی‌تری به دست آید.

دوم - وجه تسمیه به أم المؤمنین

تفسیری که اسپلبرگ از مفهوم أم المؤمنین ارائه نموده است با تفاسیر علمای اسلام هم‌خوانی ندارد. وی وجه تسمیه به أم المؤمنین را برخی مسؤولیت‌های اضافی که برای همسران پیامبر

وضع شده بیان کرده است (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/56) اما جست و جو در تفاسیر بزرگان شیعه و اهل سنت ثابت می کند که تنها پیام نهفته در لقب أم المؤمنین، لزوم احترام و نیز حرمت ازدواج با ایشان پس از رحلت رسول مکرم اسلام می باشد.

آنچه به طور عمده در تفاسیر علمای اهل سنت مشاهده می شود، بدین صورت است که در توضیح «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب/ ۶) آورده اند: همچون مادرانتان، و جوب تعظیم و اکرام و احترام دارند و جایز نیست پس از رحلت رسول خدا ﷺ به ازدواج دیگری در آیند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۲۰/۲۰۹؛ بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۳/۶۰۹؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۵۲۳؛ ابن عطیة، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۰؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۹۶۴: ۱۴/۱۲۳؛ بیضاوی، أنوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۴/۲۲۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۶/۳۴۰؛ سیوطی، الدرالمثور، ۱۴۰۴: ۵/۱۸۳؛ شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۴/۳۱۰؛ الألوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۴۹؛ الشنقیطی، أضواء البیان، ۱۹۹۵: ۶/۲۳۲). همچنین افزوده اند: خلوت کردن و نگاه به ایشان - همچون مادران خود مؤمنان - جایز نباشد و برای ایشان ارث برجای نگراند (بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۳/۶۰۹؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۹۶۴: ۱۴/۱۲۳؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۶/۳۴۰؛ الألوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۴۹). و به قرآن کریم استدلال کرده اند: «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا» (احزاب/ ۵۳). و در برخی احادیث، همین مضمون در کتاب های علمای شیعه نیز به صراحت بیان شده است: ازدواج با همسران پیامبر حرام است و مسلمانان باید احترام همسران پیامبر را حفظ کنند؛ با این حال از ایشان ارث نمی برند (طوسی، التبیان، بی تا: ۸/۳۱۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۸/۵۳۰؛ ابو الفتح رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸: ۱۵/۳۴۸؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۶/۲۷۷؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۷/۲۰۴؛ قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۷/۳۳۲).

چنان که گذشت، آیه مورد استدلال مفسران در توضیح معنای تعبیر أمهات المؤمنین، آیه ۵۳ سوره احزاب بوده، ولی اسپلبرگ آیاتی غیر از این را شکل دهنده مفهوم مذکور دانسته و آن ها را مستند کلامش گرفته است (احزاب/ ۳۲، ۵۳، ۵۹؛ نور/ ۳۱) لذا این گفتار در نزد علمای فریقین فاقد اعتبار است.

سوم - داستان افک

داستان تبرئه عایشه از زنا بیانگر جنبه مثبت عایشه در مقاله اسپلبرگ عنوان شده است و چنانکه در ذیل خواهد آمد، دارای صحت روایی نمی باشد. هرچند بسیاری از علمای اهل سنت - و حتی

برخی علمای شیعه (ر.ک. ابوالفتوح رازی در روض الجنان و روح الجنان، جرجانی در جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، شریف لاهیجی در تفسیر شریف لاهیجی) - در تفسیر آیات ۱۱ الی ۲۰ سوره نور، به نقل این داستان پرداخته و آن را فضیلتی برای عایشه دانسته‌اند، ولی اهانتی که در این داستان به نبی اکرم ﷺ مشهود است مانع از قبول آن می‌شود.

پیش از آغاز بحث، فشرده‌ای از داستان مشهور افک مطابق آنچه در کتاب‌های تاریخی آمده است بیان می‌گردد: عایشه در غزوه بنی مصطلق همراه پیامبر بود. در بازگشت به مدینه، رسول‌الله ﷺ شب را در توقفگاهی سپری کردند. عایشه برای قضای حاجت از قافله فاصله گرفت و پس از مدتی، متوجه گم شدن گردنبندهش شد و هنگامی که به دنبال آن می‌گشت، قافله به راه افتاد. عایشه بازگشت و کسی باقی نمانده بود. اصحاب، هودج عایشه را بر شترش گذاشته و بدون آنکه متوجه نبودن او شوند، به راه خود ادامه داده بودند. عایشه در همان جا ماند تا که صفوان بن معطل - که او هم از سپاه بازمانده بود - آمد و عایشه را بر شتری سوار نمود و باهم به سوی اردوگاه مسلمین به راه افتادند و چون به مسلمانان پیوستند، اهل افک به شایعات دامن می‌زدند ولی عایشه، آن هنگام از ماجرا بی اطلاع بود.

هنگامی که به مدینه رسیدند، عایشه به سختی بیمار شد اما در این ایام، آن مهربانی سابق رسول خدا ﷺ را احساس نمی‌کرد. پس برای پرستاری به خانه پدرش رفت و بیش از بیست روز بیمار بود. در آن زمان، یکی از زنان عایشه را از گفته اهل افک با خبر ساخت و او بسیار گریست. روزی رسول خدا بر مردم خطبه خواند و از سزای کسی که اهل او را بیازارد سؤال نمود که میان اوس و خزرج درگیری رخ داد و حضرت از منبر پایین آمد. پیامبر نزد عایشه رفت و او را به توبه و تقوا فراخواند. پس از مدتی، رسول‌الله درحالی که به شدت عرق از سر و رویش سرازیر می‌شد فرمود: بشارت باد عایشه! خداوند برائت تو را نازل کرد و سپس آیات سوره نور را تلاوت فرمود (ابن هشام، السیره، ۱۹۵۵: ۲/۲۹۷-۳۰۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/۲-۱۶۶).

اسپلبرگ تنها بخش کوچکی از اوایل داستان افک را نقل می‌کند؛ اما با رجوع به اصل داستان، «مشخص است که رسول‌الله پس از تحقق افک در امر عایشه تردید کرده بود. دلیل آن، تغییر رفتار لطف‌آمیز او با عایشه در مدت بیماری‌اش [پس از برگشت از غزوه بنی مصطلق] تا هنگام نزول وحی و نیز سخن عایشه پس از بشارت به نزول وحی که گفت: بحمد الله لا بحمدک، ... می‌باشد. ... عموم روایات دلالت بر این دارد که پیامبر تا پیش از نزول عذر، در امر عایشه شک کرده بود، حال آنکه مقام او اجل از این است؛ چگونه ممکن است [به همسر خود سوءظن برد] با آنکه خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ

مُیِّبٌ» (نور/۱۲) و مؤمنین و مؤمنات را به خاطر سوءظن و رد نکردن آن افکی که شنیده‌اند توییخ می‌کند؛ چراکه از لوازم ایمان حسن ظن به مؤمنان است و پیامبر که مقام نبوت و عصمت الهی دارد، سزاوارتر است تا متصف به حسن ظن بوده و از سوءظن که اثم (گناه) محسوب می‌شود پرهیز نماید» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۰۱/۱۵).

از دیگر اشکالاتی که بر این داستان وارد است، خود کسانی هستند که مطابق روایت به شایعه‌سازی پرداخته‌اند. اینان، «مسطح بن اثاثه و حسان بن ثابت و حمه بنت جحش» (طبری، تاریخ الطبری، ۱۳۸۷: ۶۱۶/۲) بودند؛ و نیز عبدالله بن ابی سلول که «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ» (نور/۱۱) به او اشاره دارد و «به خاطر اتهام زدن به همسر پیامبر دو بار حد خورد» (طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۹۹۴: ۱۲۵/۲۳)؛ اما «چه ربطی بین حمه و حسان و [عبد الله] بن ابی و مسطح هست؟! و چه چیز این‌ها را کنار هم گردآورده بود؟ آیا همگی از قریش بودند؟ یا از انصار؟ یا از منافقان؟ و در کدام انجمن جمع شده بودند؟ و از کدام جماعت هم‌دست بودند تا «إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ» (نور/۱۱) بر آنان صدق کند؟! آنگاه، حد در کجا بر آنان جاری شد؟ و چه کسی حد زد؟ و چگونه شلاق خوردند؟ و چگونه تمام این‌ها از همه صحابه [جز عایشه که تنها راوی داستان است] پوشیده مانده و هیچ‌یک چیزی در این خصوص نگفته‌اند؟!» (عسکری، احادیث أم المؤمنین عائشة، ۱۹۹۹: ۱۷۸-۱۷۹).

همچنین این اشکال وارد است که «روایات دلالت می‌کند که داستان افک از آغاز تا پایان آن که به حد خوردن اتهام زندگان انجامید، بیش از یک ماه بر سر زبان‌ها بود؛ با اینکه حکم قذف بدون اقامه شهادت مشخص بود که قاذف حد خورده و مقذوف شرعاً تبرئه می‌شود. پس چه معنا دارد که پیامبر در این مدت طولانی تا نزول وحی از حد زدن شایعه‌سازان افک باز ایستد تا میان مردم پخش شود و زبان به زبان بگردد؟» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۰۲/۱۵) یا آنکه در این داستان، مشاجره‌ای میان انصار رخ داده و از جمله حاضران، سعد بن معاذ است که «این محاوره میان او و سعد بن عباد، با وفات سعد بن معاذ که پس از غزوه بنی قریظه، یعنی یک سال یا بیشتر، پیش از این داستان بوده، منافات دارد!» (عسکری، احادیث أم المؤمنین عائشة، ۱۹۹۹: ۱۷۱/۲).

بر اساس داستان افک، پیامبر اکرم ﷺ به عایشه — که طبق اعتقاد بسیاری از اهل سنت — محبوب‌ترین همسران اوست مشکوک می‌شود؛ درحالی‌که اگر به فردی عادی گفته شود همسرت مرتکب عمل منافی عفت شده است، با شناختی که به همسر خود دارد این سخن را نخواهد پذیرفت؛ ولی در داستان افک شأن پیامبر اعظم چنان پایین آورده شده که با شایعه‌ای — که آن‌هم

مطابق نقل داستان، از سوی منافقان ساخته شده - گمان به زناکاری عایشه می‌کند. در مجموع، اشکالات متعددی بر این روایت وارد است که ذکر همه آن‌ها در این نوشتار نمی‌گنجد؛ در نتیجه، این داستان نیز اعتبار کافی ندارد.

چهارم - متهم کردن شیعه به زناکار خواندن عایشه

اسپلبرگ معتقد است: بی‌تردید مکتب تشیع اعتقادی به عصمت امهات المؤمنین ندارد و ایشان را دارای مواضعی احیاناً مخالف قرآن نیز می‌داند؛ با این وجود اتهام فحشا را هم به هیچ‌یک از ایشان نسبت نمی‌دهد. اسپلبرگ، با اشاره به شأن نزولی که برای آیه افک در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل شده، اذعان می‌دارد که این تفسیر راه را برای اتهام زناکاری به عایشه باز گذاشته است (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/57).

مطابق روایت زراره از امام صادق علیه السلام، پس از وفات ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم، عایشه رسول خدا صلی الله علیه و آله را از ناراحتی در عزای ابراهیم منع کرد و او را فرزند نامشروع ماریه قبطیه و جریح خواند. پس پیامبر بلافاصله امیرالمؤمنین را فرمان داد تا جریح را به قتل رساند. هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام جریح را در باغی یافت، او پا به فرار گذاشت و در این حین عورتش نمایان شد که نه همچون مردان بود نه زنان. لهذا امیرالمؤمنین [دانست که او زنا نکرده و] از قتل او دست کشید (قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳: ۹۹/۲).

اولاً داستان وارد در تفسیر قمی نیز «قابل انطباق بر این آیات نیست؛ خصوصاً آنجا که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ﴾ (نور/۱۱) و آیه: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا﴾ (نور/۱۲) و نیز: ﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾ (نور/۱۵)؛ از آیات به دست می‌آید [اصحاب افک] گروهی در ارتباط باهم بوده‌اند که برای رسوایی رسول خدا به داستان‌سرایی پرداخته و این سخن میان مردم زبان به زبان می‌گشته و گسترش یافته و مدتی چنین بمانده و آنان حرمت پیامبر و کرامت الهی او را مراعات ننموده‌اند؛ این با مضمون داستان [تفسیر قمی] سازگار نیست» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۰۴-۱۰۵). این نکته نیز از دید اسپلبرگ مغفول مانده که داستان موجود در تفسیر قمی، عیناً برای آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات/۶) - البته بدون ذکر سند - هم آمده است و چه بسا با این آیه تناسب بیشتری داشته باشد (مجلسی، بحار الأنوار، بی‌تا: ۱۵۳/۲۲-۱۵۴).

۱۱۵

ثانیاً اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند؛ اسپلبرگ می‌گوید در تفسیر قمی، به‌جای داستان تبرئه عایشه، داستان تبرئه ماریه نقل شده است؛ ولی وجود این روایت به معنای آلودگی دیگر همسران پیامبر به زنا نیست؛ اما مؤلف با بیان دو شأن نزول متعارض، مدعی شده که تفاسیر شیعه اعتقادی به تبرئه عایشه از زنا ندارند.

برای اثبات پاک دامنی همسران رسول خدا، نیازی به داستان ساختگی پرآوازه افک نبوده و بزرگان شیعه، نه تنها همسران نبی مکرم اسلام، بلکه همسران تمام انبیای الهی را مبرا از زنا می دانند و ادعای اسپلبرگ مبنی بر باز گذاشتن راه اتهام عایشه به زنا در تفاسیر شیعه، حقیقت ندارد. شیخ الطائفه در ذیل آیه ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ﴾ (تحریم/ ۱۰) از ابن عباس نقل می کند: «همسر نوح کافر بود و به مردم می گفت که او دیوانه است؛ و همسر لوط [آن قوم را] به سوی میهمانانش (لوط) راهنمایی می نمود؛ و این، خیانت آن دو بود.» سپس می افزاید: «همسر هیچ پیامبری مرتکب زنا نشد؛ چرا که آن، سبب ایجاد نفرت از پیامبر و ننگ او خواهد شد. لذا هرکس یکی از همسران پیامبر را به زنا متهم کند، اشتباه بزرگی مرتکب شده است.» (طوسی، التبیان، بی تا: ۵۲/۱۰) همین مضمون در مجمع البیان نیز مشهود است و او خیانت را به سخن چینی تأویل می کند نه ارتکاب فحشاء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۷۹/۱۰).

همچنین شریف مرتضی پس از بیان اقوالی در معنای ﴿إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ﴾ (هود/ ۴۶) و اینکه گروهی آن را به زنازاده بودن فرزند نوح تفسیر نموده اند، می نویسد: «این قولی ناصواب است] زیرا بایستی انبیاء علیهم السلام از این حالت که عیب و ننگ و کسر منزلت [ایشان] است منزّه بمانند و خداوند متعال برای تعظیم و توقیر ایشان و نیز نفی آنچه سبب تنفر از پذیرش [دعوتشان] می شود، ایشان را از کمتر از آن هم به دور ساخته است» (الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء، ۱۴۰۹: ۳۶).

اعتقاد به عفت همسران پیامبر دلیلی بر جعلی دانستن داستان افک است؛ چنانکه علامه طباطبایی می نویسد: «نفوذ فحشاء به اهل پیامبر سبب انزجار دل ها از او شده، لذا واجب است که خداوند سبحان، همسران پیامبر را از لوث زنا و فحشاء پاکیزه سازد و الا دعوت باطل خواهد گشت. این حجتی عقلی بر اثبات عفت واقعی - و نه فقط ظاهری - همسران رسول خدا است. پس چگونه ممکن است پیامبر اکرم که آگاه تر از ما به این حجت بوده، به خاطر تهمت یک نفر یا شیوع افک به اهل خود شک کند؟!» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۰۲).

۱۱۶

این قول چنان در نزد علمای مذهب تشیع آشکار است که حتی آلوسی، عالم سلفی، در تکذیب این اتهام وارد به شیعه می نویسد: «آنچه به شیعه نسبت می دهند در حق سید انبیاء علیهم السلام مخالف آن [سخن] است، دروغ بستن به ایشان بوده و اعتمادی به آن نمی شود هرچند شایع شده باشد.» (الآلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳۵۷/۱۴).

پنجم - ارائه مستندات بی اعتبار

چنانکه گذشت، ابتدا به عدم صحت داستان تیره عایشه از زنا پرداخته و پاره‌ای از دلایل عدم امکان قبول آن بیان شد که به عنوان مقدمه‌ای بر اثبات عفت همسران انبیای الهی با اشاره به سخنان برخی از بزرگان شیعه بود؛ زیرا اسپلبرگ با نقل داستان افک از منابع اهل سنت و نابرابری مصداق آن در تفاسیر شیعی، مدعی زیر سؤال رفتن عفت عایشه در نزد شیعه شده بود. وی همچنین مدرک دیگری برای اثبات مدعای خود ارائه کرده است.

اسپلبرگ، داستانی را که زنی شیعی - که او را بی سواد خوانده است - در متهم شدن یکی از همسران پیامبر به زنا نقل نموده، نمونه‌ای از اختلاف فرقه‌ای بر سر عفت عایشه عنوان می‌کند (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/57). این مورد از چند جهت قابل تأمل است. اولاً خود داستان به قدری کودکانه گفته شده که صحت آن مردود است. ماجرا چنین است: «روزی پیامبر با کاروانی به جایی روانه بود که برای ناهار در یک کاروان سرا توقف کردند. همسر او برای قضای حاجت خارج شد و در آنجا گردن‌بندش را گم کرد. ترسید که این را به شوهرش بگوید پس به گشتن مشغول شد و در این حین، کاروان بدون حضور او به راه افتاد. اندکی بعد، پیامبر از نبود او مطلع شد و مردم به او گفتند که همسرش به قصد خیانت جنسی با مالک کاروانسرا باقی مانده است و آن دورا دیده‌اند که باهم صحبت می‌کرده و از در بیرون رفته‌اند. ولی پیامبر که اگر می‌خواست می‌توانست همه‌جا را ببیند، این را نپذیرفت و گفت که او برای یافتن تسبیحش مانده است ...» (Friedl, women of Deh Koh, 1991: 221).

جای تعجب است که یک اسلام‌شناس در یک مقاله علمی، به چنین داستان کودکانه‌ای استناد جوید. با اینکه بزرگان شیعه بر عفت حقیقی همسران پیامبران تأکید دارند، اسپلبرگ این داستان منقول از زنی روستایی را دست‌آویز خود برای نشان دادن اختلاف مذهبی بر سر عفت عایشه قرار داده است که تنها ارزش علمی مقاله‌اش را زیر سؤال می‌برد. افزون بر این، داستان فوق‌الذکر، برخلاف شأن نزول آیه افک در نزد اهل سنت، حاوی اسائه به عصمت پیامبر اعظم ﷺ نبوده و ایشان را در امر همسرش مردد ندانسته است. ولی هنوز این پرسش باقی است که چرا اسپلبرگ به جای مطالعه کتاب‌های معتبر شیعه، به قصه منقول از یک فرد - بی سواد خوانده شده - استدلال می‌کند؟!

ششم - خانه‌نشینی زنان مسلمان

از جمله آراییی که اسپلبرگ در این مقاله بازتاب می‌دهد، این است که علمای اسلام، همه زنان مسلمان را مشمول آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/ ۳۳) و مأمور به ماندن در خانه برشمرده‌اند (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/56). وی پس از حکایت واقعه جمل نیز به خانه‌نشینی زنان مسلمان

در پی اقدام عایشه اشاره می‌کند و مدعی می‌شود که نویسندگان مسلمان، زنان را از درگیر شدن به مسائل سیاسی بر حذر داشته و قرآن را دست‌مایه خود در تبیین سابقه فعالیت‌های عایشه قرار داده‌اند (Spellberg, "Aisha", 2001: 1/59).

قبل از بیان دلایل قرآنی و روایی مبتنی بر عدم حبس خانگی زنان، این پرسش مطرح است که اسپلبرگ بر اساس کدام آثار علمای مسلمان چنین حکم می‌دهد؟ زیرا مطلق آوردن سخن دلالت بر این دارد که تمام عالمان شیعه و اهل تسنن معتقد به وجوب خانه‌نشینی زنان بوده و این را از آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/ ۳۳) استنباط کرده‌اند؛ بنابراین، اسپلبرگ مطلبی را بدون استناد کافی، به علمای مسلمان منسوب نموده و این عمل، از اعتبار مقاله او می‌کاهد.

در مورد آیه یاد شده، باید دقت داشت که «این آیه، مسلماً مخاطبش زنان پیغمبر هستند و حکم هم حکم خاص آن‌هاست. به این آیه استدلال کردن با توجه به این که شکل استدلال هم ندارد نوعی مغالطه است.» (مطهری، زن و مسائل قضایی و سیاسی، ۱۳۹۱: ۸۴) ثانیاً، «آیه به معنای خانه‌نشینی و انزوا از جامعه نیست؛ بلکه متضمن آدابی برای آمدوشد در جامعه است؛ چنانکه در آیه قبل فرمود: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/ ۳۲). اگر قرار بود زن‌ها در خانه بمانند و با نامحرمان در ارتباط نباشند، سخن نیکو گفتن و یا صدا را نازک کردن چه معنا داشت؟ درحالی که می‌دانیم حتی مخاطبان اصلی آیه یعنی زنان پیامبر نیز محبوس در خانه نبودند و تاریخ گواه است که حتی پس از نزول این آیه، رسول‌الله زنان خویش را به سفر می‌برد و از بیرون رفتن ایشان از خانه منع نمی‌کرد» (جلالی کندری، زن مسلمان، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

به‌علاوه، موضوع وجوب هجرت از مکه به مدینه با محبوس ماندن در خانه منافات دارد؛ پس اگر قرآن تنها مردان و زنان و کودکان مستضعف را از هجرت معاف نموده است: «... قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ» (نساء/ ۹۷-۹۸)؛ «مردان مسلمان حق ندارند همسرانشان را از این فریضه‌ی الهی بازدارند و ایشان را ملزم به ماندن در خانه نمایند». نیز، قرآن کریم شرط ازدواج رسول‌الله ﷺ با بستگان‌شان را هجرت آنان عنوان می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ وَاللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ...» (احزاب/ ۵۰). افزون بر این، قرآن کریم مسلمانان مدینه را موظف ساخته تا زنان مهاجر را پیش از پیوستن به ایشان بیازمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ» (ممتحنه/ ۱۰).

بیعت با حاکم اسلامی از دیگر مظاهر مشارکت اجتماعی است و از آن جمله، کلام خداوند متعال در بیعت زنان با پیغمبر اکرم ﷺ پس از فتح مکه است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا...» (ممتحنه/۱۲). ابن سعد نیز جلد هشتم از کتابش را به شرح حال زنان بیعت‌کننده از انصار و مهاجران و غیر ایشان اختصاص داده است (ر.ک محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۱۹۹۰: ج ۸).

مورد دیگر، قیام به امر به معروف و نهی از منکر بوده که بعد اجتماعی آن غیرقابل انکار است و ممکن نیست با حبس زن در خانه، این کار برای او میسر باشد. خداوند سبحان هر دو جنس زن و مرد را مأمور به این واجب ساخته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱).

تاریخ اسلام گواه بر همراهی رزمندگان اسلام توسط جمعی از زنان است که این نمونه‌ای از خروج زنان مسلمان از خانه‌هایشان بدون مخالفت رسول خدا می‌باشد. برای مثال، عایشه و أم سلیم ساقی رزمندگان در جنگ احد بودند (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲: ۳۳/۴؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۱۲: ۳/۱۴۴۳) و یا أم عطیه در هفت غزوه همراه رسول‌الله بود و به پختن غذا و مداوای زخمی‌ها و درمان بیماران می‌پرداخت. (ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۳۸۸/۳۴؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۱۲: ۳/۱۴۴۷) مشابه آن از ربیع بنت معوذ نیز نقل شده است (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲: ۷/۱۲۲؛ نسائی، السنن الکبری، ۱۴۲۱: ۸/۱۴۶) و همچنین أم عماره در جنگ احد از رسول‌الله دفاع می‌کرد (ابن حجر، الإصابه، ۱۴۱۲: ۸/۲۶۶).

زنان عصر رسول‌خدا برای خروج از خانه منع نمی‌شدند بلکه گاه شاغل بوده‌اند. قرآن کریم نیز مالکیت درآمد را برای زن و مرد به رسمیت می‌شناسد: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ (نساء/۳۲) به‌عنوان مثال، حواء به عطاری در مدینه مشغول بود. (ابن حجر، الإصابه، ۱۴۱۲: ۷/۵۹۲؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/۱۵۱) ملیکه أم سائب بن أفرع (ابن الأثیر، أسد الغابه، ۱۴۱۷: ۵/۵۴۸) و أسماء بنت مخرمه (ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۴۱۲: ۴/۱۸۳۷) نیز به همین شغل می‌پرداختند. قیلة أم بنی أنمار به خریدوفروش اجناس اشتغال داشت (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۳/۵۵۱).

همچنین، قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره قصص دختران حضرت شعیب رضی الله عنه را چوپانانی معرفی نموده که برای برداشتن آب از چاه در انتظار فاصله گرفتن چوپانان مرد بوده‌اند. در ادامه، داستان آمدن حیا گونه یکی از این دو دختر ذکر شده است: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي - عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ...» (قصص/۲۵). این آیات نه تنها دختران حضرت شعیب رضی الله عنه را به خاطر خروج از خانه سرزنش نمی‌کند، بلکه بر حیای ایشان تأکید نموده که نشان از جواز حضور باحیای زن در اجتماع دارد.

داستان مباحله رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران از دیگر مواردی است که اثبات می‌کند پیامبر زنان خویش را در خانه محبوس نمی‌نموده‌اند. آیه ۶۱ سوره آل عمران این ماجرا را یادآور شده و روایات و تواریخ تصریح به حضور حضرت فاطمه (ع) در این واقعه کرده است (ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۶۰/۳؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۱۲: ۴/۸۷۱؛ القمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳: ۱۰۴/۱). در مهم‌ترین صحاح اهل سنت روایت شده است که «عایشه گوید: پس از نزول حکم حجاب، سوده که زنی درشت اندام بود و هرکسی او را می‌دید از قامتش می‌شناخت، برای انجام حاجتش بیرون رفت. عمر بن خطاب وی را دید و شناخت؛ پس گفت: سوده! برای ما ناشناس نیستی، پس دقت کن که چگونه بیرون می‌روی! سوده بازگشت و رسول خدا در خانه [عایشه] بود ... سوده داستان را برای حضرت بازگفت ... و خداوند به او وحی کرد: به شما اجازه داده شده که برای حاجتتان بیرون بروید» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲: ۱۲۰/۶؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۱۲: ۱۰۹/۴). بنابراین، اجازه بیرون رفتن از خانه به زنان داده شده و مخالفت با این حکم بی‌معناست.

در کتاب کافی از عبدالله کاهلی روایت شده است: «به ابوالحسن (ع) عرض کردم: همسرم و همسر این مرد در سوگواری به بیرون می‌روند، و همسرم به من می‌گوید: اگر عملی حرام است پس ما را نهی کن تا آن را ترک کنیم و اگر حرام نیست پس چرا ما را از آن باز می‌داری؟ ... امام فرمود: در مورد حقوق از من پرسیدی؛ پدرم، مادرم و ام فروه را برای احقاق حقوق اهل مدینه می‌فرستاد.» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳/۲۱۷؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۱/۱۷۸).

البته در جوامع حدیثی روایاتی به چشم می‌خورد که از نهی زنان از حضور در اجتماعات خبر می‌دهد؛ لکن در جمع بین این روایات گفته می‌شود: «احادیث ابواب جنائز، نکاح و تجارت دلالت بر جواز خروج زنان در سوگواری و احقاق حقوق مردم و نوحه‌سرایی و تشییع جنازه دارد و [نیز] خارج شدن فاطمه (ع) و دیگر زنان ائمه به قصد آن [دلیل جواز می‌باشد] ... و این قرینه ایست بر آنچه در عنوان آمد [یعنی کراهت اجازه دادن به همسر در غیر ضرورت برای رفتن به حمام و عروسی و سوگواری و پوشیدن لباس‌های نازک، و حرمت آن وقتی که ریبه و تهمت و مفسده مترتب باشد]» (حر العاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۵۱/۲).

۱۲۰

خلاصه بحث آنکه اسپلبرگ بر اساس آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/ ۳۳) ادعا می‌کند علمای مسلمان که مرد بوده‌اند، این حکم مختص زنان رسول خدا ﷺ را به تمام زنان مسلمان تعمیم داده و ایشان را ملزم به خانه‌نشینی نموده‌اند. در پاسخ به این برداشت ناصواب از مؤلف، «نمونه‌های فراوانی از نقض این حکم دیده می‌شود: پیامبر زنان خویش را به جهاد می‌برد؛ زنان

بسیاری در جنگ‌ها مجاهدان را یاری می‌کردند؛ روایات عدیده‌ای دلالت می‌کند که زنان در نماز عید و جمعه شرکت می‌کردند؛ زنان در صدر اسلام در بنای مسجد شرکت داشتند؛ زنان بسیاری در جامعه رسول‌خدا به مشاغل و کارهای مختلف از قبیل فروشنده‌گی مشغول بودند و مورد ذم و نهی خاص پیامبر واقع نمی‌شدند، بلکه گاه پیامبر آنان را در ضمن کار می‌دید و توصیه‌هایی به آنان می‌فرمود» (مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ۱۳۸۶: ۲۶۵). همچنین بیان شد که قرآن کریم زنان را از هجرت به مدینه معاف نفرموده و بیعت ایشان با رسول‌الله را به‌طور خاص ذکر کرده و امر به معروف و نهی از منکر را شاخصه ایمان ایشان معرفی نموده است. افزون بر این موارد، دختران شعیب رضی الله عنه در قرآن کریم به حیایشان در خارج از منزل ستوده و حضرت صدیقه طاهره رضی الله عنها دعوت به همراهی پدر بزرگوارشان برای حضور در واقعه مباحله گشته‌اند. به‌علاوه اینکه روایاتی در منابع شیعه و اهل تسنن یافت می‌شود که دلالت بر اجازه خروج زنان از خانه می‌کند؛ و سرانجام می‌توان نتیجه گرفت که حکم آیه شریفه، نه حبس خانگی زن، بلکه حفظ حریم‌ها در اجتماع بوده و مراد، نهی از خروج به قصد خودنمایی است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۳۶۰/۷) و ادعای اسپلبرگ با حقیقت سازگار نیست.

دومین بخش از مدعای اسپلبرگ، جلوگیری از ورود زنان به عرصه سیاست است. در اینجا نیز بایستی از مؤلف پرسید که کدام منابع و کدام نویسندگان چنین حکمی صادر کرده و آنان عواقب خونین جنگ جمل به رهبری عایشه را سبب منع جمله زنان از مداخلات سیاسی گرفته‌اند؟ در رد این مدعا، اولاً، «اگر سیستم اداره جامعه بر موازین ستر و عفاف و طهارت روح استوار باشد، هیچ‌گونه منع شرعی برای حضور زن در وکالت، وصایت، ولایت بر محجوران و ولایت بر رقبات وقف و نظایر آن نیست و هرگز حق زن در مواردی محدود مانند حق الحضانة خلاصه نمی‌شود» (جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ۱۳۸۸: ۲۹۷). حتی برخی از نویسندگان با استدلال به داستان ملکه سبا در آیات ۲۲ الی ۴۴ سوره نمل و عدم نکوهش حکومت‌داری او، دست‌یابی زنان به مناصب سیاسی را جایز دانسته‌اند (مهریزی، زن در اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۶: ۷۷). بنابراین، ادعای اسپلبرگ بی‌سند و باطل است.

هفتم - منابع مورد استفاده مؤلف

منابع مورد مطالعه در هر پژوهش بر ارزش علمی آن تأثیر ویژه دارد. کتاب‌هایی که اسپلبرگ در ذیل بخش کتابشناسی عنوان می‌کند، شامل شش مجموعه روایی از اهل سنت و یک جامع روایی از شیعه (بحار الأنوار)، چهار مصدر تاریخی از اهل سنت و یک منبع تاریخی از شیعه (تاریخ مسعودی)، یک تفسیر از اهل سنت و یک تفسیر از شیعه (تفسیر قمی) و در نهایت یازده کتاب از

نویسندگان متأخر می‌باشد. علی‌رغم استفاده وی از منابع اهل سنت و شیعه و قصد او برای بازتاب اختلافات دو مذهب، لکن نسبت مراجعه به این مأخذ متعادل نیست. حدود نیمی از منابع، از مصادر اهل سنت بوده و تنها ۱۲٪ به منابع شیعه اختصاص دارد و ۴۰٪ از تألیفات مستشرقین برگرفته شده است. لذا هرچند مؤلف سعی در نشان دادن چهره حقیقی عایشه از هر دو مکتب شیعه و سنی داشته، ولی به تتبع کافی در کتب معتبر شیعه نپرداخته است. مراجعه فراوان به پژوهش‌های خاورشناسان - که در بازشناسی یک شخصیت تاریخی جزء منابع دست‌دوم به شمار می‌رود - نیز ضعف جدی این مقاله می‌باشد.

نتیجه

- مقاله «عائشه بنت ابی‌بکر» در دایرةالمعارف قرآن لیدن دارای چهار بخش، شامل کلیاتی از نقش محوری عایشه در تاریخ اسلام، اتهام باطل او به زناکاری، حضور در جنگ جمل و آرمان‌های زنانه اسلامی است.

- اسپلبرگ، به دیدگاه هر دو مذهب اهل سنت و شیعه استناد نموده و به تناقضات این دو مکتب اشاره می‌کند.

- مؤلف، عایشه را معصوم ندانسته و در مقابل، اسوه بودن حضرت مریم (ع) را خاطر نشان می‌کند. - برخلاف تفسیر خودساخته مؤلف از مفهوم أمهات المؤمنین که با رأی علمای دو مذهب سازگاری ندارد، مراد از این تعبیر، وجوب تعظیم و حرمت نکاح با مصادیق آن می‌باشد. - داستان منقول در تفاسیر اهل سنت که به افک شهرت یافته، ساختگی بوده و فضیلتی برای أم المؤمنین عایشه نیست.

- برخلاف گفته اسپلبرگ، تناقض شأن نزول مذکور در تفاسیر اهل سنت با یک تفسیر شیعی در خصوص آیه افک، دلیل بر زیر سؤال رفتن عفت عایشه از منظر شیعه نیست. هرچند مؤلف برای تقویت مدعای خود، به یک نمونه نامربوط و بی اعتبار استدلال می‌نماید.

- اسپلبرگ زنان مسلمان را به حکم آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/ ۳۳) محبوس در خانه برشمرده و خون‌های به ناحق ریخته در پی حضور عایشه در جنگ جمل را علت وجوب پرهیز زنان از عرصه سیاست عنوان می‌کند. این مطلب با مراجعه به تاریخ و سیره صحابه تأیید نمی‌شود.

- در مجموع، چهره‌ای که اسپلبرگ از أم المؤمنین عایشه به تصویر می‌کشد، برآیند یک منقبت دروغین و یک واقعه حقیقی است که هم کمال مطلق و هم خباثت مطلق را از او دور می‌سازد. شایسته بود مؤلف با تتبع وسیع‌تری در آثار متقدم شیعه و اهل سنت و اخذ اقوال متفق‌علیه، ابعاد بیشتری از ولادت تا درگذشت وی را مورد توجه قرار دهد و تصویر واقع بینانه‌تری را از وی ارائه دهد.

فهرست منابع

۱. شریف الرضى، محمد بن الحسين، نهج البلاغة، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن الأثير، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن بابويه، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حجر العسقلانى، أحمد بن على، الإصابة فى تمييز الصحابة، بيروت: دار الجيل، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، بيروت: دار الجيل، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن عطية، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، بيروت: دار الجيل، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ابن هشام، عبد الملك، السيرة النبوية، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده، ۱۹۵۵م.
۱۱. ابو الفتوح رازى، حسين بن على، روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن، مشهد: آستان قدس رضوى، ۱۴۰۸ق.
۱۲. الألوسى، شهاب الدين محمود بن عبد الله، روح المعاني، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۱۳. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۴. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
۱۵. بضاوى، عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۸ق.
۱۶. بيهقى، أحمد بن الحسين، السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۳م.
۱۷. جلال الدين السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله، ۱۴۰۴ق.
۱۸. جلالى كندرى، سهيلا، زن مسلمان، پرده نشينى يا حضور اجتماعى، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳ش.
۱۹. جوادى آملی، عبد الله، زن در آينه جلال و جمال، قم: اسراء، ۱۳۸۸ش.
۲۰. حر العاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۱. زمخشرى، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل فى وجوه التأويل، بيروت: دار الكتب العربى، ۱۴۰۷ق.

۲۲. شریف المرتضی، علی بن الحسین، تنزیه الأنبياء، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹ق.
۲۳. شنقیطی، محمد الأمين بن محمد المختار، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۹۹۵م.
۲۴. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، بیروت: دار الكلم الطيب، ۱۴۱۴ق.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین، الميزان فى تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش.
۲۶. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، القاهرة: مكتبة ابن تیمية، ۱۹۹۴م.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ش.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البيان فى تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فى تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۱. عسکری، سید مرتضی، أحادیث أم المؤمنین عائشة، بیروت: التوحيد، ۱۹۹۹م.
۳۲. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۱م.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۴. قرانتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگى درس هایى از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۳۵. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، دوم، القاهرة: دار الکتب المصریة، ۱۹۶۴م.
۳۶. قمی، علی بن إبراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۹. محمد بن سعد، أبو عبد الله، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۰م.
۴۰. مسلم بن الحجاج، أبو الحسن، صحيح مسلم، القاهرة: دار الحديث، ۱۴۱۲ق.
۴۱. مطهری، مرتضی، زن و مسائل قضایی و سیاسی، تهران: صدرا، ۱۳۹۱ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۴۳. مهریزی، مهدی، زن در اندیشه ی اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۶ش.
۴۴. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
۴۵. نسائی، أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
46. Friedl, Erika. Women of Deh Koh :lives in an Iranian village. New York: Penguin Books, 1991.
47. Spellberg, Denise A. "Āisha bint Abī Bakr." Edited by Dammen McAuliffe Jane. Encyclopaedia of the Qurān. Brill Leiden_Boston_Köln, 2001.